

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

مهاجر راه اصلاح

سیری در زندگی نامه امام حسین (ع) و فرهنگواره پیرامون وی

مهدی کمپانی زارع

فهرست

□ مقدمه ۹

بخش نخست: زندگینامه امام حسین علیه السلام (۱۳)

- الف) تبارپاکان ۱۵
- ب) نام‌گذاری الهی ۱۸
- پ) کنیه و القاب ۲۰
- ت) مناسک دینی و ولادت ۲۱
- ث) پیشگویی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شهادت حسین علیه السلام ۲۱
- ج) نوزادی و کودکی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله ۲۴
- چ) فضایل امام حسین علیه السلام در قرآن ۲۹
- ح) در کنار مادر ۳۱
- خ) در عصر ابوبکر ۳۲
- د) در عصر عمر بن خطاب ۳۴
- ذ) در عصر عثمان ۳۶
- ر) در کنار امیرالمؤمنین علیه السلام ۳۹
- ز) پیشگویی‌های امیرالمؤمنین علیه السلام درباره شهادت حسین علیه السلام ۴۲
- ژ) وصیت‌نامه امام علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام ۴۴
- س) در کنار امام حسن علیه السلام ۵۰
- ش) در دوران معاویه ۵۳

ص) شتابزدگی یزید برای بیعت گرفتن ۶۱

ض) تصمیم هجرت از مدینه ۶۳

ط) اقامت در مکه ۶۶

ظ) نامه‌های کوفیان و پاسخ امام ۶۹

ع) نامه‌ای مهم به اهل بصره ۷۲

غ) مسلم در کوفه ۷۵

ف) شدت عمل در مواجهه با شیعیان ۸۲

ق) اقدامات یزید علیه امام حسین علیه السلام در مکه ۸۵

ک) حکمت حرکت به سمت کوفه در پاسخ‌های حسین علیه السلام ۸۷

گ) ترک مکه و حرکت به سوی کوفه ۹۳

ل) امام حسین علیه السلام در راه کوفه ۹۸

م) مواجهه با سپاه حُرین یزید ریاحی ۱۰۰

ن) امام در سرزمین کربلا ۱۰۸

و) گفت‌وگوهای حسین علیه السلام با عمر بن سعد ۱۱۰

ه) وضعیت کاروان امام تا عاشورا ۱۱۳

ی) روز واقعه ۱۱۵

حُسن ختام: سخنان امام رضا علیه السلام پیرامون واقعه کربلا و جایگاه حسین بن علی علیه السلام ۱۲۱

• پی‌نوشت‌ها ۱۲۳

بخش دوم: اخلاق حسینی (۱۴۱)

الف) تقدم اخلاق و تفکر بر عبادات ظاهری ۱۴۳

ب) فضایل اخلاقی و توجه به آن در زندگی حسین علیه السلام ۱۴۸

ج) برخی از فضایل حسین علیه السلام ۱۵۱

د) امام حسین علیه السلام و اخلاق جنگ ۱۵۷

• پی‌نوشت‌ها ۱۶۳

بخش سوم: بندگی عارفانه به روایت امام حسین علیه السلام (۱۶۷)

مقدمه ۱۷۱

الف) عبادت فقط برای خدا ۱۷۱

ب) خداشناسی عرفانی امام حسین علیه السلام ۱۷۵

ج) احوال زندگی عارفانه ۱۸۳

• پی‌نوشت‌ها ۱۸۸

بخش چهارم: بررسی تحلیل‌های مختلف از واقعه عاشورا (۱۹۱)

الف) درآمد ۱۹۳

ب) تفسیرهای گوناگون از واقعه عاشورا ۱۹۴

ج) تحلیل نویسنده این کتاب؛ هجرت به قصد اصلاح ۲۰۵

• پی‌نوشت‌ها ۲۱۶

بخش پنجم: اصلاح از طریق امر به معروف و نهی از منکر (۲۱۹)

• پی‌نوشت‌ها ۲۲۸

بخش ششم: مواجهه عارفان مسلمان با حسین بن علی علیه السلام (۲۳۱)

مقدمه ۲۳۳

الف) امام حسین علیه السلام در منابع اولیه عرفانی ۲۳۶

ب) سنایی غزنوی (م ۵۳۵ ق) ۲۳۷

پ) فریدالدین عطار نیشابوری (۶۲۷ ق) ۲۴۱

ج) مولانا جلال‌الدین (۶۷۲ ق) ۲۴۴

د) پیرجمال‌الدین محمد اردستانی (م ۸۷۹ ق) ۲۵۳

ص) میرزا حسن اصفهانی مشهور به صفی‌علیشاه (م ۱۳۱۶ ق) ۲۵۵

ق) عمان سامانی (م ۱۳۲۲ ق) ۲۵۷

حسن ختام ۲۶۱

• پی‌نوشت‌ها ۲۶۳

بخش هفتم: ضمیمه: مقاله‌ای درباره بداء (۲۶۷)

• پی‌نوشت‌ها ۲۷۶

□ کتابنامه ۲۷۹

مقدمه

همه عمر بردارم سراز این خمارِ مستی که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی
تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی
هر سال محرم که می‌رسد خود را در خیل جمعیت، حیران می‌بینم. وقتی به خود
می‌آیم که مرا چه شده و چرا چنین آشفته و شیفته‌ام، یادم می‌آید که دیری است
سینه‌ام شرحه شرحه محبت انسانی است که حتی در خاطره‌های کودکی‌ام، حضوری
گرم و پررنگ دارد و هر بار که نامش می‌آید، اگر نگریم، دست‌کم گرمای اشک را در
خود احساس می‌کنم. از تأمل کردن در حیرت و شیفتگی‌ام، طرفی نمی‌بینم، از
این رو در اشک و گرمای وجودش می‌نگرم، شاید از این طریق بتوانم به یاد آورم که
چرا رازناک به او عشق می‌ورزم. خوب که به مواضع گریستنم می‌نگرم، می‌بینم هر بار
که می‌گیریم، حتی در سال‌های پختگی نزدیک به چهل سالگی، گریه‌هایم همه از
عظمت اوست. می‌بینم که او عصاره پیوند خاندان نبوت و ولایت است و محبوب
پیامبرم و جگرگوشه برادر و دختر پیامبرم است. برادرش کریمی چون حسن علیه السلام است
و خواهرش عقيله‌ای چون زینب علیها السلام. می‌بینم پیامبرم از فرط محبت و حرمت به او،
بارها وی را بردوش خویش سوار کرده و سیر آفاق و انفس داده است. همان دوشی
که علی علیه السلام یک بار و شاید دو بار بر روی آن ایستاد و خود را در مرتفع‌ترین نقطه جهان
احساس کرد. می‌بینم که این محبوب بارها و بارها در کودکی بر این اوج نشسته و در

جدول مُهر نبوت، نشان مهر خدا و رسولش را دیده است. می بینم در کودکی بردو خلیفه نخست فریاد می زند و از آنان می خواهد که منبر رسول خدا را به اهلش بسپارند و بیراهه نروند. می بینم که ابوذر را هنگام رفتن به ریزه یاری می کند و به او دلداری می دهد. می بینم که در سال های خلافت پدرش، در رکاب پدر سکوت پیشه کرده و به پدر و امام خویش خدمت می کند و او را در احقاق حق خلق یاری می رساند. می بینم با ادب تمام در محضر برادرش حسن علیه السلام حاضر می شود و در هیچ کاری از او پیشی نمی گیرد و عهد های برادر را پیمان های خویش می داند. می بینم که وقتی زمان امامتش سر می رسد با حلم بسیار ادامه پیمان برادر را با معاویه سپری می کند و حتی با چون معاویه ای که خود نماد پیمان شکنی است، سخنی از عهد شکنی و بدعهدی نمی گوید. می بینم وقتی که یزید از او بیعت می خواهد، از میدان خشونت به خانه امن الهی هجرت می کند تا اصلاح کار امت نماید و همه کار می کند تا در مکه و کربلا خونی ریخته نشود، اما با ناجوانمردی خونس را می ریزند و او را شرحه شرحه می کنند. می بینم در همه این روزگاران خوش و ناخوش جز به خشنودی خداوند نمی نگرد و محبوبی جز حق تعالی ندارد. دست هایش را در عرفات می بینم و عشقش را در دعای عرفه می خوانم و شرح اخلاق نیکویش را در کتاب ها می بینم و مقام والایش را از عارفان می شنوم و همه آنچه را در هزاران کس به اندک می بینم، در او مجموع و متعالی مشاهده می کنم. وقتی می بینم از سخاوت غلامش نسبت به سگی می گیرد و یا کنیزی را به خاطر دادن گلی، آزاد می کند و دشنام گوبه خود و خاندانش را خدمت می کند، در می یابم که بهره های بزرگی از اخلاق و شفقت در اوست و من گریبان این همه زیبایی و شگفتی روحانی ام. در عجبم از کسانی که چون اوبی را می دیدند و به جای گریه کردن از عظمتش و میل به تخلق به اخلاقش، خونس را ریختند و بدنش را لگدکوب اسبان نمودند. حال که دانسته ام برای عظمت روحی او و پیوندش با روحانیان می گیرم، در می یابم «این محبت هم نتیجه ی دانش است» و می کوشم در لابلای منابع نشان از او بجویم و هر چه را می جویم برای دیگران نیز بیان کنم. حسین علیه السلام را سال ها پیش از کربلا

دوست دارم و جست و جوی کنم و از این رو گام به گام با او در عمر شریفش همراه می شوم و نشان می دهم چنین شخص عظیمی در همه جا عظمت روحی و اخلاقی و دینی خود را نشان داده است.

این کتاب مختصر، شرح زندگی و سخنان مردی است از جنس اخلاق و محبت و شفقت. این کتاب می کوشد به اختصار تصویر امامی نیکوسیرت را به تصویر بکشد که قرن ها جان و دل شیعیان و اهل حقیقت و محبت را معطوف و متوجه خود نموده است. هر فصل این کتاب می تواند تا حجمی پیشروی کند که کتابی مستقل و مجزا باشد، اما سعی نگارنده این سطور آن بوده که مختصر و مفید سخن بگوید و خوانندگان را با کثرت نقل ها و تحلیل ها سرگردان و خسته نکند. تحلیل ها نیز در راستای منابع تاریخی و روایی ارائه شده اند و به هیچ روی قصد آن نداشته ایم که سلیق و آرزوهای خود را در میان آوریم.

این کتاب نیز همان راه دو کتاب پیشین نگارنده درباره امام اول و دوم شیعیان یعنی کتاب های ترازوی آخذ خو (درباره امام علی) و کریم آل محمد (درباره امام حسن) را می رود. در ابتدا با مراجعه به منابع متعدد دست اول کوشیده ام زندگی امام حسین علیه السلام را از تولد تا شهادت تصویر کنم. در فصولی به اخلاق و بندگی عارفانه اش پرداخته ام و در فصلی به مواجهه عارفان با او و شهادتش مشغول شده ام و در فصولی به تحلیل حرکتش از مدینه تا کربلا قلم گردانده ام و معنای اصلاح را از طریق امر به معروف و نهی از منکر کاویده ام و در همه این فصول در پی آن بوده ام که سخن و سیره او را در میان بیاورم و نه میل ها و آرزوهای خودم را. در حین نگارش کتاب کسانی بودند که برای توفیق انجام این کار به این بنده اظهار لطف می کردند و قول یاری و همراهی می دادند، اما از خیل آنان اندک بودند کسانی که تا گام آخر بر پیمان خویش ماندند و از همراهی و مهربانی دریغ نورزیدند. به تعبیر سعدی:

هر کسی را نتوان گفت که صاحب نظر است عشقبازی دگر و نفس پزستی دگر است
نه هر آن چشم که بیند سیاه است و سپید یا سپیدی ز سیاهی بشناسد، بصر است